

نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا در روابط بین‌الملل اسلامی

سید حامد پورمحب حسینی

کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور غرب تهران، تهران، ایران.

pourmohebhosseini@gmail.com

چکیده

هدف این مقاله تبیین نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا در روابط بین‌الملل اسلامی است و پرسش اصلی بر چیستی ماهیت این نظریه و کیفیت اثرگذاری آن در جهان سیاست و روابط بین‌الملل دلالت دارد. فلسفه روابط بین‌الملل اسلامی برخاسته از جهان‌بینی و اندیشه توحیدی اسلام است که با ابتنا بر وحدت ماهوی سیاست و دیانت، نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا را پی‌ریزی کرده است. به نظر می‌رسد نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا در روابط بین‌الملل اسلامی، با توجه به خاستگاه فرانظری خویش، می‌تواند استخراج، تدوین و تبیین شود و به تدریج تکوین یابد. در صورت امکان تبیین و تکوین، این نظریه تمهیدی برای زمینه‌های همسویی روشمند و هدفمند آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل خواهد بود. وقوع انقلاب اسلامی احیای اثرگذاری دین اسلام در مناسبات جهان اجتماعی بود. دانش روابط بین‌الملل و کنشگری دولت‌ها در عرصه بین‌الملل نیز متأثر از انقلاب اسلامی قرار گرفت. چنان‌که به نظر می‌رسد امکان طرح نظریه‌پردازی در باب دانش و قلمرو روابط بین‌الملل پدید آمده است. به نظر می‌رسد که نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا با توجه به ابعاد فرانظری هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی، از

نحله‌های آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل متفاوت است.
کلیدواژه‌ها: نظریه، آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، روابط بین‌الملل، روابط بین‌الملل
 اسلامی.

مقدمه

از آغازین زمان بعثت پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انگاره‌ها، صورت‌بندی‌ها و کیفیت دیدگاه و رویکرد اسلام با جهان پیرامون با اصل دعوت تعیین یافت. اهداف و آرمان‌ها، جهت‌گیری، انگیزه و افق اسلام برای جهان پیرامون و قدرت‌های آن روز تبیین شد. آرمان و اهداف عالی‌ه اسلام در تعارض با عادات و سنت‌های جاهلی و محافظه‌کارانه قرار گرفت و سلوک آرمان‌گرایانه را در پیروان اسلام نوظهور به راهبردی باورمندانه تبدیل کرد. آرمان‌گرایی اسلامی تبیین جهانی بود که حصول به آن ممکن و تمهید آن مستلزم جهاد فکری و اندیشه‌ورزانه و مبتنی بر استقامت در عرصه نظر و عمل بود. بر این اساس، مختصات آرمان‌گرایی با فاصله‌گرفتن از مفاهیم انتزاعی محض و تخیلات غیرواقعی، بر تحول در عادات و کلیشه‌های ذهنی و ظنی، سنت‌های مشرکانه غیرعقلانی، فرهنگ‌های غیر و ضد اسلامی و غیره تأکید داشت، نه آنکه به ایجاد یک سازه و الگویی بپردازد که نه ریشه در حقیقت داشته باشد و نه نسبتی با واقعیت‌های جوامع انسانی؛ اسلام از آغاز ظهورش در قلمرو جغرافیای جهانی، اندیشه‌ها و قلب‌ها را جذب کرد و انسان‌ها را در سطح جهانی مخاطب قرار داد. این پیشینه غنی پس از فراز و نشیب قرون متمادی با وقوع انقلاب اسلامی، به عرصه سیاست و فرهنگ جهانی آمده است. بر اثر بازگشت قدرتمند دین و بازیگران دینی به روابط بین‌الملل، دین به یک موقعیت کانونی در گفتمان سیاست بین‌الملل معاصر دست یافته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ص ۱۷۴). این مهم پس از افول مطالعه دین در روابط بین‌الملل پدید آمده است. از جمله عوامل بسیار مهم در این تحول پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود. انقلاب اسلامی ایران از طریق تأسیس یک دولت دینی در قالب جمهوری اسلامی ایران، احیای اسلام سیاسی، تقویت و تکوین جنبش‌های اسلامی، ارتقای نقش و جایگاه اسلام در روابط بین‌الملل، تقویت تعارض گفتمانی و ایدئولوژیک، ارتقای نقش تکوینی فرهنگ، به چالش کشیدن عقلانیت ابزاری، تضعیف ایده‌ملت دولت سکولار، به چالش کشیدن نظم و نظام مستقر بین‌الملل و سرانجام به چالش طلبیدن و تضعیف گفتمان سکولاریسم حاکم بر روابط بین‌الملل نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری در احیای دین و بازگشت آن به روابط بین‌الملل ایفا کرده است

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ص ۱۷۵). امکان طرح مفروضات و مفاهیم در چهارچوب گفتمان و مبانی فرانظری اسلام، با توجه به حضور معنادار دین در عرصه روابط بین الملل، دور از ذهن نخواهد بود؛ چنان که مفاهیم و مؤلفه‌های فرهنگ و اخلاق در ساحت روابط بین الملل مورد بحث و توجه قرار گرفته است، در اندیشه و نظم و نظام مستقر و مسلط در روابط بین الملل اخلاق انتزاع یافته است. رهیافت غالب آن است که روابط بین الملل در هر دو عرصه عملی و نظری، رها از اخلاق و موازین اخلاقی است. زیرا اخلاق و روابط بین الملل دو عرصه و حوزه مستقل و مجزا هستند که بر روی یکدیگر تأثیر نمی‌گذارند یا نباید بر هم تأثیرگذار باشند... اولین دلیل و عامل پنداره روابط بین الملل آزاد از اخلاق، اندیشه جدایی سیاست از اخلاق است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ص ۱۸۶). تفکر سنتی حاکم بر روابط بین الملل بر پایه تمایز ماهوی سیاست خارجی و سیاست بین الملل از سیاست داخلی، روابط بین الملل را رها از اخلاق می‌پندارد... زندگی بین المللی و روابط بین الملل هرگز و هیچ‌وقت با تعقیب و تأمین فضایل اخلاقی و انسانی سر و کار ندارد. چون روابط بین الملل عرصه آنارشی و تولید و بازتولید و تکرار منازعه پایان‌ناپذیر تأمین بقا و امنیت است... نواقعی گرایشی یکی از شاخص‌ترین نظریه‌های روابط بین الملل است که بر پایه این استدلال قائل به نقش اخلاق در روابط بین الملل نیست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ص ۱۸۶)؛ بنابراین، علم روابط بین الملل به دلیل ماهیت سکولار آن، حاوی مفاهیمی چون قدرت، بقا، نسبییت و دانش روابط بین الملل به دلیل خاستگاه غربی آن، بستر ظهور و بروز مکاتب و مفاهیم سکولار بوده است. نحله‌هایی همچون واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی، تکثرگرایی و نواقعی‌گرایی مهم‌ترین گفتمان‌های حاکم بر روابط بین الملل بوده‌اند که بر ابعاد و مبانی فرانظری و جهان‌بینی خاصی مبتنی بوده‌اند. نظریه‌های روابط بین الملل، اعم از تبیینی، هنجاری، تکوینی و انتقادی بر مبنای فرانظری خاصی استوارند. پردازش یک نظریه اسلامی روابط بین الملل مستلزم تعیین و تبیین رهیافت فرانظری آن در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی است (فیروزی دهقان آبادی، ۱۳۸۹: ص ۳). به نظر می‌رسد ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و در کل، جهان‌بینی نظریه‌ها و مکاتب غربی روابط بین الملل متفاوت از جهان‌بینی توحیدی نظریه اسلامی روابط بین الملل اسلامی است. یعنی کیفیت و نوع نگاه در باب هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی است. ابعاد فرانظری نظریه اسلامی روابط بین الملل مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است که در قرآن کریم و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بازتاب یافته است. هستی‌شناسی اسلامی وحدت‌گراست؛ یعنی موضوع‌های گوناگون فلسفه علم، دین، اخلاق و متافیزیک یک بررسی می‌شود.

در حوزه علوم اجتماعی، از جمله روابط بین‌الملل، مسئله و سؤال اساسی این است که آیا جهان اجتماعی (در اینجا روابط بین‌الملل) واقعی مستقل از شناخت نظریه‌پرداز در خارج از ذهن وجود دارد؟ بنابراین، موضوع اصلی هستی‌شناسی بررسی سرشت واقعیت اجتماعی روابط بین‌الملل و اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن است (فیروزی دهقان آبادی، ۱۳۸۹: ص ۴). اسلام در روابط بین‌الملل به دلیل عمق دیدگاه و جهان‌بینی مبتنی بر حقیقت عالم خلقت، جهان و انسان نیاز حقیقی جامعه انسانی را به طور عمیق درک می‌کند. اسلام، در جایگاه دین جهانی، با مجموعه‌ای از اصول و مقررات بین‌المللی (حدود چهارصد آیه قرآن کریم در زمینه روابط بین‌المللی است) در عصر جاهلیت ظهور کرد و توانست تحولی شگرف در جامعه پدید آورد. ابعاد کلان رویکرد فرائضی اسلام در روابط بین‌الملل در چهارچوب امت محوری، مفاهیم بلندی چون صلح، وفای به عهد، اصل کرامت انسانی، اصل برابری و برادری، اصل تفاهم، اصل عدم مداخله، حمایت از ملت‌های مظلوم، تعاون و مشارکت، نفی سبیل را در عرصه روابط بین‌المللی انعکاس داد. آیه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱) به مؤلفه صلح منطبق با شرایط و اقتضای زمان اشاره دارد. آیه شریفه «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ» (رعد: ۲۰) تأکید و توصیفی از رفتار و سلوک مؤمنان است که به عهد و پیمان خود وفادار باشند.

تبیین مسئله

حدوث انقلاب اسلامی به حضور معنادار و تأثیرگذار دین در عرصه حکومت و سیاست و جامعه انجامیده است و به تبع این حضور، حصول به تمدن نوین اسلامی در آینده، آرمانی واقع‌گرایانه در افکار عمومی شده است. در این صیورورت است که امکان طرح نظری و تدوین سیاست اسلامی، روابط بین‌الملل اسلامی و غیره میسر می‌شود. جهت‌گیری با مبانی اسلامی به روابط بین‌الملل بر مفاهیم و ادبیات ارزش‌مدار دینی و الهی مترتب است؛ در واقع، انقلاب اسلامی سبب شد که مفاهیم دینی و اخلاقی در ساحت روابط بین‌الملل بازتاب یابد. مبحث اصلی بحث آرمان‌گرایی واقع‌گراست؛ چیستی و چگونگی شکل‌گیری و طرح یک نظریه اسلامی با عنوان آرمان‌گرایی واقع‌گرایی که برخاسته از هستی‌شناسی اسلامی است. مفاهیم، مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا که امکان طرح و استخراج می‌یابد و تفاوت، هم‌پوشانی و اشتراک آن با آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی روابط بین‌الملل با خاستگاه جهان‌بینی غربی از جمله فرایندهای تبیین این نوشتار است. آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل اسلامی و با رویکرد اسلامی به چه معناست؟ و چگونه با گذر از مرزهای تخیل و اهداف

غیرواقعی، مناسبات عینی و واقعی جهان را لحاظ می‌کند و در عین عقلانیت، ترسیم نظم مطلوب را رقم می‌زند؟ ازسوی دیگر، در بستر روابط بین‌الملل اسلامی این راهبرد می‌نشیند که جهان انقلاب اسلامی توانست نوعی «آرمان‌نگری واقع‌بینانه» را به منصه ظهور برساند که ویژگی آن «وحدت ارزشی در عین کثرت روشی» و «رو به آرمان داشتن و واقعیات را لحاظ کردن» است؛ این آرمان‌نگری، مبتنی بر دین‌باوری، ارشادمحوری و عینیت‌شناسی است... (دهشیری، ۱۳۹۰: ص ۱۴).

فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا در روابط بین‌الملل اسلامی، با توجه به ابعاد فرانظری آن در اسلام یعنی جهان‌بینی و هستی‌شناسی، می‌تواند استخراج، تدوین و تبیین شود.

پرسش اصلی

امکان طرح و تبیین و تکوین نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا در روابط بین‌الملل اسلامی با توجه به ابعاد فرانظری و هستی‌شناسی اسلامی چگونه است؟

قلمرو بحث

گستره معنایی و مفهومی روابط بین‌الملل اسلامی به لحاظ فرانظریه و نظریه است.

تبیین مفاهیم

نظریه

در واقع نوعی تفکر اندیشمندانه است که قابل بسط و توضیح‌دادن باشد. نظریه مجموعه پیشنهادهایی را درباره متغیرها ارائه می‌کند و تصویر منظم و مدونی از پدیده‌ها و همبستگی آن‌ها به نمایش می‌گذارد. نظریه با نگرش و تفکر سر و کار دارد و به انسان بصیرت می‌بخشد... به طور اخص، نظریه شامل مجموعه منسجمی از اصول و تعمیمات می‌شود که با شیوه تحقیق در یک حوزه مطالعاتی ارتباط و پیوند دارند (چیلکوت، ۱۳۸۹: ص ۲۸).

روابط بین‌الملل

در عام‌ترین معنا، روابط بین‌الملل عبارت از کلیه روابط و تعاملات سیاسی، دیپلماتیک،

اقتصادی-تجاری و فرهنگی-اجتماعی بین بازیگران دولتی و غیردولتی و افراد است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ص ۱۴).

علم روابط بین الملل

در عام‌ترین معنا، روابط بین‌الملل علم و دانشی است که موضوع مطالعه آن همه تعاملات و اقدامات بازیگران بین‌المللی دولتی و غیردولتی و افراد است؛ به طوری که در این حوزه مطالعاتی روابط سیاسی و غیرسیاسی بین دولتی و حکومتی، روابط میان حکومتی و روابط فراملی و میان ملتی و میان افراد مطالعه می‌شود. افزون بر این، الگوهای تعامل و چگونگی تنظیم روابط بین بازیگران مختلف بین‌الملل، حکمرانی جهانی و نظم جهانی و نظام بین‌الملل نیز موضوع مطالعه روابط بین‌الملل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ص ۱۸).

ابعاد فرانظری و بنیادهای هستی‌شناسی علم روابط بین الملل

بنیادهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی علم روابط بین‌الملل بر اصول و مفروضه‌های سکولاریسم استوار است. وقوع انقلاب رفتاری و هژمونی رفتارگرایی در این رشته در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تقابل و تعارض دین و دانش در این حوزه مطالعاتی را تحکیم و تثبیت کرد. علم روابط بین‌الملل در چهارچوب اثبات‌گرایی مبتنی بر تفکیک عین و ذهن و ارزش و واقعیت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ص ۵). سکولاریسم مبنای فکری روابط بین‌الملل متعارف و سیاست خارجی است؛ گفتمانی که تکوین‌دهنده فرهنگ سیاسی روابط بین‌الملل به معنای مجموعه‌ای از گزاره‌های صریح یا ضمنی مشترک بین بازیگران بین‌المللی درباره ماهیت و سرشت اقتدار سیاسی مشروع، هویت ملی و قدرت سیاسی و قواعد و هنجارهای حاکم بر مناسبات بین‌کشوری است که از این گزاره‌ها و باورها ناشی می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ص ۱۷۲).

نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا

با توجه به بنیان‌های فلسفی، فرانظری، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی و جهان‌بینی توحیدی و الهی که خاستگاه و زیربنای نظریه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی روابط بین‌الملل اسلامی است و امکان طرح، تدوین، تکوین، تبیین، تجویز و هنجارسازی آن را می‌دهد، نظریه مذکور مختصات و مؤلفه‌های انتقادی، اخلاقی، عقلانی و غیره است. انتقاد به نظم موجود و نحله‌های

آرمان‌گرا و واقع‌گرای غربی معطوف به سویه‌های محافظه‌کارانه و ایستارهای حفظ نظم مستقر در روابط بین‌الملل است. به لحاظ اخلاقی، باورهای اخلاقی همچون کرامت انسان و عدل را بازتاب می‌دهد. دیدگاه اسلام دربارهٔ عقل و جایگاه معتبر آن در جهان اجتماعی و فرایند عقلانیت را تبیین می‌کند و به نقد عقلانیت ابزاری می‌پردازد. نظریهٔ آرمان‌گرایی واقع‌گرای روابط بین‌الملل اسلامی خاستگاه و عطف به مرجعیت معرفتی وحی و عقل (شرع باطن) است. این نظریه ناظر بر گزاره‌های زیر است:

۱. خاستگاه آن مبانی هستی‌شناسی وحدت‌گرای اسلامی است.
۲. مبتنی بر عقل و عقلانیت اسلامی است (نگاه عمیق و وسیع به عقل در اسلام به‌عنوان شرع باطن و مصباح دین) و نقد عقلانیت ابزاری و جزئی‌نگر در فلسفهٔ غربی که در نحله‌های مادی روابط بین‌الملل متعارف بازتاب یافته است.
۳. موید مابعدالطبیعه است. برخلاف حوزهٔ مختلف علمی و همچنین، روابط بین‌الملل که متأثر از گفتمان و مکاتب اثبات‌گرایی و رفتارگرایی به انکار متافیزیک پرداختند.
۴. نگاه منطقی و راهبردی به سرشت و سرنوشت بشر و احترام به ارزش‌های انسانی همچون کرامت، عدالت، وحدت، امنیت و ایمان.

مکتب واقع‌گرایی غربی روابط بین‌الملل

این مکتب ریشه در آرای نیکلا ماکیاولی و توماس هابز دارد. دیدگاه ماکیاولی در اصالت‌دادن به قدرت و انتزاع آن از اخلاق، همچنین، دیدگاه هابز در بدبینی به سرشت بشر و جملهٔ معروف او، یعنی جنگ انسان علیه انسان، باعث شده است که از دید مکتب واقع‌گرایی، محیط بین‌الملل آنارشیک تلقی شود و اصالت به قدرت محوری باشد. هانس مورگنتا و کنت والتز مهم‌ترین متفکران و اندیشمندان این نحله در روابط بین‌الملل هستند. مورگنتا بر این باور است که سیاست بین‌المللی در حقیقت میدان منازعه برای کسب قدرت است؛ زیرا قدرت تنها راه بقا و ماندگاری ملت‌هاست و توازن قوا عاملی جهت استمرار صلح جهانی به‌شمار می‌رود (صالح و محروس، ۱۳۹۰: ص ۱۳۱). کنت والتز با طرح تئوری نظام سیاسی بین‌الملل، سعی در تبیین این مسئله دارد که نظام بین‌الملل اختلاف‌های آشکاری با نظام داخلی دولت‌ملت‌ها دارد؛ زیرا نظام بین‌الملل بر مبنای واحدها و رژیم‌های مستقلی بنا نهاده شده است (صالح و محروس، ۱۳۹۰: ص ۱۳۱). واقع‌گرایی یک رهیافت مادی‌گراست و بر نقش عوامل و متغیرهای مادی بر روابط بین‌الملل تأکید می‌کند. این

مادی‌گرایی متضمن و مستلزم نادیده‌گرفتن عناصر و عوامل غیرمادی از جمله دین در روابط بین‌الملل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ص ۱۷۳). مختصات مکتب واقع‌گرایی بدین شرح است که همه واقع‌گرایان، به‌رغم طبقه‌بندی‌های متعدد، در سه موضوع محوری اشتراک دارند: دولت‌گرایی، بقا و خودیاری که زیربنای واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل است. دولت‌گرایی به این معناست که دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران عرصه بین‌الملل هستند و سایر بازیگران همچون شرکت‌های چندملیتی در چهارچوب روابط میان دولت‌ها عمل می‌کنند. هدف اولیه همه دولت‌ها نیز بقاست. خودیاری یعنی هیچ کشوری نمی‌تواند برای تضمین امنیت شما مورداعتماد باشد. ساختار نظام بین‌الملل به دوستی، صداقت و شرف اجازه ظهور نمی‌دهد... همزیستی از طریق تقویت موازنه قوا شکل می‌گیرد. واقع‌گرایان ضمن تأکید بر قدرت و منافع ملی بر این اعتقادند که اصولاً از بین بردن گزینه قدرت صرفاً یک آرمان است. در بین رهیافت‌های متعدد سیاست بین‌الملل، واقع‌گرایان عمده‌ترین نظریه‌پردازان ساختارگرا محسوب می‌شوند که قائل به اصالت نظام‌های سیاسی و ساخت‌های حکومتی‌اند؛ به این ترتیب، آنان تلاش دارند تا «دولت ملی»^۱ را به‌عنوان مرجع اصلی تصمیم‌گیری سیاسی و حکومتی در روندهای سیاست خارجی به‌شمار آورند (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ص ۱۴).

۱. روابط سیاسی محکوم قواعد عینی است که ریشه در عمق سرشت بشر دارد؛
۲. اصلی‌ترین هدف دولت ملی تلاش برای حفظ خود و بقاست؛
۳. مهم‌ترین قاعده رفتاری دولت‌ها کسب قدرت و تأمین منافع ملی است؛
۴. اصول اخلاقی را باید از صافی شرایط خاص زمانی و مکانی عبور داد؛
۵. قواعد اخلاق موجود در یک کشور با قوانین اخلاقی نظام بین‌المللی متفاوت است؛
۶. حوزه سیاست از سایر حوزه‌های اقتصاد، حقوق و غیره مجزاست (ذاکریان، ۱۳۹۰: ص ۱۰۰).

واقع‌گرایی مبتنی بر نسبی‌گرایی، عقلانیت ابزاری و ارزش‌زدایی از ساختار روابط بین‌الملل است و اراده معطوف به قدرت را اصل قرار می‌دهد. سیاست خارجی رئالیستی بر آن است که «بقا»^۲ به‌عنوان اصلی‌ترین انگیزه رفتار بین‌المللی محسوب می‌شود (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰:

ص ۲۱). چنان‌که در تاریخ روابط بین دولت‌ها در قرون ۱۹، ۲۰ و ۲۱ میلادی می‌توان سراغ گرفت، رفتارشناسی و کنشگری چند کشور ابرقدرت برای تحمیل جنگ، صلح، مداخله در امور کشورها، تأکید بر عدم هم‌پیمان و دوست و دشمن دائمی، تکیه بر نظامی‌گری^۱ و روند فزایندهٔ مسابقهٔ تسلیحاتی، حق و تو، ایجاد ساختارهای حقوقی و ظاهراً قانونی برای تحمیل و تسلط بر دولت‌ها و ملت‌های دیگر، راهبرد یا با مایید یا بر ما و غیره واقع‌گرایی آنارشیسم را یکی از چالش‌های اساسی فراروی دولت‌ها در تأمین امنیت و صلح قلمداد می‌کند؛ از این رو، نظام بین‌الملل را عرصهٔ تنازع بقا و حکومت اقویا می‌داند که در آن اصالت با قدرت دولت است (ذاکریان، ۱۳۹۰: ص ۱۰۰). نوواقع‌گرایی پس از موج انتقادات، از دههٔ ۱۹۷۰ میلادی به بعد به واقع‌گرایی بروز یافت که روزآمدسازی این مکتب بود. تأکید نوواقع‌گرایی، علاوه بر قدرت نظامی و پذیرش تمام مؤلفه‌های واقع‌گرایی، استفاده از دیگر مؤلفه‌ها مانند مؤلفهٔ اقتصادی بود. گیلپین نوواقع‌گرایی است که به نقش مؤلفه‌های اقتصادی در معادلات بین‌المللی توجه خاصی دارد... باری بوزان،^۲ که خود از اندیشمندان نوواقع‌گراست، همان دولت ملی را دارای حاکمیت مطلق و مسئول تأمین امنیت در سطح نظام بین‌الملل می‌شناسد و مانند همفکران واقع‌گرای خود هرج و مرج را ویژگی اساسی نظام بین‌الملل می‌داند (ذاکریان، ۱۳۹۰: ص ۱۰۲).

آرمان‌گرایی غربی

آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل برگرفته از آرای اندیشمندان غربی همچون ایمانوئل کانت و ژان ژاک روسو است. دیدگاهی که متمایل به لیبرالیسم و اصول اخلاقی و ارزشی لیبرالی است. آرمان‌گرایان تحقق صلح در جامعهٔ جهانی است. وودرو ویلسون با اندیشه‌ورزان سیاسی آرمان‌گرا به تأسیس جامعهٔ ملل پس از جنگ جهانی اول مبادرت ورزید تا فرهنگ صلح لیبرالی را ترویج و نهادینه کند. رویکرد آرمان‌گرایی به ذات انسان‌ها خوش‌بین است و بر تعهدات و حقوق بین‌الملل تأکید می‌کند. از دیدگاه آرمان‌گرایان، امکان رفع جنگ در صحنهٔ بین‌المللی از طریق تقویت قواعد، مقررات و نهادهای بین‌المللی وجود دارد. از دیدگاه آنان، مهم‌ترین عامل جنگ وجود تسلیحات و ابزارهای جنگی از یک‌سو و ساختار بد نظام بین‌الملل جهانی از سوی دیگر است؛ بنابراین، ایجاد

1. Militarism
2. Barry Buzan

سازمان بین‌المللی به منظور حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و تقویت منافع مشترک میان دولت‌ها و نظارت بر خلع سلاح عمومی ضروری به‌نظر می‌رسد... کانت در رساله «صلح پایدار» اصولی را، از جمله تقویت اخلاق و ارزش‌های انسانی در سیاست بین‌الملل، به‌عنوان مقدمه رفع جنگ و ایجاد صلح پایدار بیان کرده است. از دیدگاه کانت، بالاترین خیر سیاسی صلح جهانی است و صلح جهانی از طریق دولت اخلاقی امکان‌پذیر است (ذاکریان، ۱۳۹۰: ص ۱۰۳). برخی از مؤلفه‌ها و اصول آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل عبارت‌اند از:

۱. بیش از آنکه به هست‌ها توجه کند، به باید‌ها و هنجارهای ارزشی رفتار می‌پردازد؛
۲. معتقد به خیر و سرنوشت واحد هستند؛
۳. تأسیس یک جامعه جهانی را تنها راه تحقق صلح و ثبات قلمداد می‌کند؛
۴. نوعی هماهنگی منافع بین دولت‌ها وجود دارد و دولت‌ها در ساخت سیاست بین‌المللی آزادی عمل دارند.

نظریه آرمان‌گرایی غربی به لحاظ فلسفی تنها به روان و درون انسان و رابطه انسان با نفس خودش می‌اندیشد و آن را اصل و اساس می‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۵: ص ۴۶). یعنی ابتدا بر اصالت ذهن دارد و جهان خارج از ذهن را انکار می‌کند. به لحاظ مفهومی، کیفیتی از سلوک و زیستن فکری، فرهنگی در غالب فردی و جمعی و جامعه است که همواره به وضعیت و چشم‌انداز مطلوب نظر دارد. اگر آن نظم مطلوب مبنایی حقیقی نداشته باشد و با حقیقت عالم در تباین باشد و واقعیت‌های چالش برانگیز را درک نکند و با رنج‌ها و جهل‌ها و ظلم‌ها بیگانه باشد، این آرمان‌گرایی در حصار ناعقلانیت و توهم مانده است و اصولاً آرمان‌گرایی نیست؛ بلکه موهوم‌گرایی است. اما آن آرمان‌گرایی که چشم‌انداز و نظم مطلوبش بر ساخته حقیقت ناب و در پیوند هستی‌شناختی با عالم باشد و در متن واقعیت با چالش‌ها و موانع گسترده‌اش زیست کند و در تراحم با آن به‌سوی آرمان‌شهر سیر کند، همسو با عقلانیت است.

روابط بین‌الملل اسلامی

اسلام دین حقیقت‌گرا و واقع‌گراست (مطهری، ۱۳۷۵: ص ۲۱). آیه شریفه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (آل عمران: ۶۴) که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در دعوتنامه‌هایش به سران کشورها می‌گنجانید، واقع‌بینی و همه‌جانبه‌نگری اسلام را ارائه می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۵:

ص ۵۰). جهان‌بینی و هستی‌شناسی اسلامی مبتنی بر وحدت‌گرایی، جوهر‌گرایی، اصالت ذاتی ارزش‌های انسانی و امت محوری دانش است. براساس هستی‌شناسی وحدت‌گرای اسلامی، مفاهیمی چون دانش و ارزش، دنیا و آخرت، عقلانیت و ایمان، آرمان و واقعیت از یکدیگر منتزع نیستند و این وحدت‌گرایی در نظریه اسلامی روابط بین‌الملل بازتاب می‌یابد؛ بنابراین، روابط بین‌الملل اسلامی ترکیبی وحدت‌یافته از دانش، بینش، مفاهیم، مؤلفه‌ها، عقیده و راهبرد عمومی و عقلانی اسلامی است که مبنا و بنیان آن جهان‌بینی اسلامی است. عدل و وحدت دو اصل اساسی‌اند که روابط بین‌الملل در اسلام بر پایه این دو تنظیم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۳۷). قوام حقیقت حیات انسانی به عدل است. دادگری، همانند اصل توحید، ریشه در نظام تکوین دارد. عمل به عدالت در زندگی اجتماعی از مهم‌ترین تکالیف الهی مسلمانان است و ظلم به حقوق دیگران از محرّمات و معاصی بزرگ به‌شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۳۷). اسلام ابتدا هر مسلمانی را به تعدیل قوای درونی خود فرا می‌خواند و سپس او را با مسلمانان دیگر براساس قسط و عدل به وحدت فرا می‌خواند؛ آنگاه هر مسلمانی را با هر موحدی (پیروان انبیای الهی)، براساس قسط و عدل به وحدت فرا می‌خواند؛ سپس هر موحدی را با غیرموحد براساس قسط و عدل به وحدت صلا می‌زند. چنین دینی هم می‌تواند جهانی باشد و هم روابط بین‌الملل خود را به‌گونه صحیح تنظیم کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۴۶). اصول، ارزش‌ها، اخلاقیات، مبانی، قواعد، قوانین و برنامه‌ها و سیاست‌های اسلامی در مقیاس جهانی است. براساس آیه قرآن کریم که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۲۱)، اسلام مراقبت از اوضاع جوامع بشری را به پیروانش سفارش می‌کند و آنان را - چون سرنوشت مشترک دارند - در قبال سرنوشت دیگران مسئول می‌داند (سلیمی، ۱۳۸۶: ص ۵۷). چنان‌که در حدیث پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (دیلمی، ۱۳۷۱: ص ۱۸۴) برای شناخت وضعیت موجود، آگاهی کامل از وضعیت مطلوب و راهبرد گذار از نظم موجود به نظم مطلوب برنامه دقیق و گسترده دارد. دیدگاه توحید و متعالی به جهان پیرامون، که برگرفته از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و روش‌شناختی اسلام به ابعاد حیات انسان‌هاست، در روابط بین‌الملل اسلامی سطره دارد. از آغازین زمان رسالت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) اصول، اهداف و رویکرد روابط اسلامی در سطوح داخلی امت اسلامی و جهان پیرامون ترسیم شد. تدوین و امضای معاهده‌های مختلف همچون منشور مدینه (اصل همزیستی، تعاون و تفاهم)، معاهده صلح حدیبیه (بین مسلمانان و قریش)،

پیمان صلح دائمی با نصارای نجران، نامه‌نگاری به پادشاهان قدرت‌های جهان همچون ایران در روابط بین‌الملل اسلامی اندیشه‌ها و رویکرد نسبی‌انگار، سکولاریستی، اصالت قدرت، بدینی به سرشت و سرنوشت بشر، روابط مبتنی بر سلطه، انکار مابعدالطبیعه، جنگ‌افروزی و نظامی‌گری، ایجاد فضای وحشت، تروریسم، رویکرد منافقانه در شعارهای حقوق بشر و صلح و غیره محکوم است و جایگاهی ندارد. رویکرد و دیدگاه ارزشی و فرهنگی در متن روابط بین‌الملل اسلامی ارزش‌گذاری و مرزبندی‌های دنیاگرایانه را نفی می‌کند و از مرزهای نژاد، خاک، ایدئولوژی‌های الحادی و غیره عبور می‌کند و بر کرامت انسان‌ها و مبارزه با سلطه‌گری و ظلم تأکید دارد و اصلاح و تحول حقیقی را پی می‌گیرد. اما عرصه روابط بین‌الملل غربی عرصه اشرافیت است و معدودی از کشورها و نهادها در آن به اعمال قدرت و سلطه می‌پردازند و اصولاً جایگاهی برای ملل مختلف جهان و دولت‌ها و نهادهای مستقل وجود ندارد؛ بنابراین، عدالت مهم‌ترین آرمان است که به صورت هدفمند در روابط بین‌الملل اسلامی جستار می‌شود. ماهیت روابط بین‌الملل اسلامی هژمونی بر قدرت‌های مادی و تبعیت از آنان را در عمل و نظر نفی می‌کند. چنان‌که در قاعده نفی سبیل، «الاسلام یعلو و لا یُعلی علیه»، «لَا تُظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) و غیره اشاره شده است، بر رویکرد و راهبرد متمایز اسلام در عرصه جهانی با مکاتب مادی و الحادی دلالت دارد. قاعده لَا تُظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ بر نفی ستمگری (سلطه‌گری) و ستم‌پذیری (سلطه‌پذیری) اشاره دارد؛ در واقع، هنجار و فرهنگ نهادینه‌شده سلطه‌گری را که معدودی از دولت‌های غربی برای خود به انحصار درآورده‌اند و اقسام مداخلات ویرانگر، تحمیل و تحریم سیاسی و اقتصادی و غیره را در ممالک دنیا انجام می‌دهند، محکوم و نامشروع می‌داند؛ ازسوی دیگر، پذیرش سلطه‌گری و ستمگری و عدم اقدام برای تغییر و تحول در نظم ظالمانه را نفی می‌کند. براساس احکام و اصول اسلام نباید ظلم کرد و نباید ظلم پذیرفت. قواعد دیگر و راهبردهای دیگری که اسلام و قرآن کریم در عرصه روابط بین‌الملل با دوستان و دشمنان مطرح می‌کند، درهم تنیدگی آرمان و واقعیت را نشان می‌دهد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ...» (آل عمران: ۱۳۹). آیه دیگر «وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران: ۱۲۰) است و در باب استکبار می‌فرماید: «لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا» (فرقان: ۲۱). در راهبردهای گوناگونی که قرآن کریم در سطوح روابط بین‌المللی و مواجهه با جهان استکباری ارائه می‌دهد، لزوم هوشیاری، تدبیر، اعتماد و توکل به خدا، نه‌راسیدن از دشمن، صبر و مجاهدت، تقوا و غیره را ضروری می‌داند.

آرمان‌گرایی در اسلام

با ملاحظه تاریخ اسلام و جهاد فکری، نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تشکیل حکومت اسلامی مفاهیم، ادبیات و ارزش‌های بدیعی ارائه می‌شود و راهنمای تحول نفوس و نگرش‌های فکری و گرایش‌های عملی و جریان‌سازی فرهنگی در جهان اسلام می‌شود. مفاهیمی چون امت، عدالت، شهادت، ولایت و امامت، تقوا که مناسبت‌ها و عادت‌ها و کلیشه‌ها را بی اعتبار کرد و طرحی نو در انداخت. از سیره علمی و عملی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (سلام الله علیهما) برمی‌آید که با انحاء گوناگون و روش‌های مجاهدانه و متعهدانه به ترسیم و تبیین جامعه مطلوب اسلامی در ابعاد جهانی پرداخته‌اند و مناسبات عادلانه را تصویر کرده‌اند، اما در متن واقعیت و لحاظ دشواری‌ها، کج‌روی‌ها، جهالت‌ها، بدعت‌ها، خصومت‌ها و دسیسه‌ها به جهاد همه‌جانبه و پرکشیخ خویش مبادرت ورزیده‌اند. در هم تنیدگی و وحدت سلوک آرمان‌خواهانه اما در شریان واقعیت، این امر را به نمایش می‌گذارد که ساختن و پرورش و هدایت جامعه به مقاصد عالیة اسلامی مبتنی بر تطور و آگاهی و اراده و ایمان جمعی است. آرمان‌گرایی اسلامی خود یک اسلوب و راهبرد است و محمول مؤلفه‌ها و ارزش‌هایی چون عدالت، تقوا، اخلاق، دفع ظلم و سلطه است. آن‌گونه که ذکر شد، از اصول اصلی روابط بین‌الملل اسلام رعایت قسط و عدل است. اسلام بر اساس قسط و عدل حرکت می‌کند، چنان‌که بر محور وحدت می‌گردد، نه ظلم و سلطه را امضا می‌کند و نه تفرقه و اختلاف را روا می‌دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ص ۴۷)؛ بنابراین، آحاد انسان‌ها و جوامع انسانی با فرهنگ‌های گوناگون خواهان عدل و عدالت‌اند، چراکه زمینه‌ها و بنیان‌های شکوفایی عقل، فکر، پیشرفت و تعالی، از بین رفتن گرایش‌ها و احساس تبعیض‌آلود، خنثی کردن زمینه‌های تولید فقر فکری و اقتصادی، در اختیار قراردادن فرصت‌های شکوفایی و تغییر برای عموم محرومین و غیره فراهم می‌آورد. نمونه بارز دیگر حضور اخلاق در بعد سیاست، حکومت و روابط بین مردم و ملت‌هاست و مفهوم عمیق امت پیوندهای محکم از اخلاق و احکام اسلامی است. از جمله اصول اخلاقی که اسلام در سیاست داخلی و خارجی بدان تأکید دارد و جزئی از روابط بین‌الملل اسلامی است، پرهیز از به‌کارگیری خشونت و تهدید در مناسبات بین‌المللی است. تعامل‌گرایی به‌ویژه با ملت‌ها و دولت‌های ضعیف، حمایت از مظلومان، تلاش برای از بین بردن مخاصمات و تنش‌ها، مذاکرات برای رفع تهدید و تروریسم، عدم خدعه و فریب برای رسیدن به اهداف و غیره رویکرد اسلام به عرصه‌های مختلف از جمله روابط بین‌الملل سلبی و ایجابی است؛ یعنی از سویی

به نفی و مبارزه با جریان‌های سلطه‌جو و استکباری می‌پردازد و ازسوی دیگر، به پیگیری نظم عادلانه و تحقق ساختارهای عدل‌محور و اخلاق‌محور در چهارچوب احکام و قوانین اسلامی در مقیاس جهانی مبادرت می‌ورزد.

عصر انقلاب اسلامی

حادث شدن انقلاب اسلامی و سیورت آن ابعاد مختلفی از ساحت جامعه ایرانی و جهان بین‌الملل را متأثر کرده است. انقلاب اسلامی با هویت و محتوای اسلامی و قدرت نرم خود توانسته است در مفاهیم، مؤلفه‌ها، ایستارها، نگرش‌ها، رویکردها، روندها و مناسبت‌های بین‌المللی تأثیرگذار باشد؛ انقلابی با ماهیت دینی و ارزشی در محیط مادی‌گرایانه و الحادی و جهان‌دو قطبی‌شده قرن بیستم میلادی. انقلاب اسلامی با هدف متحول‌سازی محیط بین‌الملل از رهگذر تحول و دگرگونی در افکار و اذهان و فراهم کردن شرایط ذهنی برای تغییر قواعد و هنجارهای بین‌المللی توانست با تفکرات رهایی‌بخش خود نظام سلطه را در معرض تهدید قرار دهد و پیام سیاسی اندیشه استکبارستیزی، استقلال‌طلبی و راهبرد «نه شرقی، نه غربی» را برای جهانیان آشکار کند (دهشیری، ۱۳۹۰: صص ۱۳۰ و ۱۳۱).

ابعاد فرانظری و هستی‌شناسی اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل نه شرقی، نه غربی

آرمان وحدت‌گرا و عدل‌محور اسلام، ماهیت و رویکرد سلطه‌طلبانه و استکباری را نفی می‌کند. منطق اسلام بازتاب این رویکرد است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱). قاعده نفی سبیل منشأ قدرت و حاکمیت را الهی می‌داند و نه طاغوت؛ دو قطب مادی و ضدالهی شرق و غرب را بی‌اعتبار می‌داند و طبق قاعده «الاسلامُ يعلو ولا يُعلَى عَلَيْهِ» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۴۶۲) که پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بیان فرموده‌اند، قطب و کانون اسلام را معیار و شاخص و اعتبار نظام بین‌المللی معرفی می‌کند.

استکبار و استضعاف

دو مفهومی که خاستگاه قرآنی دارد استکبار جریان و جبهه پیوسته و گسترده است که دارای قدرت ظاهری اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای و نظامی است و نظم کنونی جهانی را ایجاد و هدایت می‌کند.

ماهیت آن بر پایه ظلم و قدرت نامشروع، استعلا و استیلاطلبی است و به شدت و با همه ابزارهای نامشروع به دنبال حفظ نظم موجود جهانی است. اما استضعاف نقطه مقابل استکبار است که خداوند متعال در قرآن کریم آنان را وارثان آینده زمین قرار داده است. «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵). جهانی سازی غربی تداوم حاکمیت و سلطه استکبار است و جهانی شدن اسلامی در آینده حکومت مستضعفین است و عرصه نظام بین الملل تقابل ماهیتی این دو اندیشه و جریان و جبهه را به ظهور رسانده است. چنان که نظریه پردازان سیاسی غرب همچون ساموئل هانتینگتون از بروز جنگ تمدن ها سخن گفته اند. این تقابل بنیادین با استکبار و تعامل و تعاون با جهان غیراستکبار جلوه ای از آرمان گرایی واقع گراست.

نشر فرهنگ خودباوری و عزت در ملت ها و زیر سؤال رفتن خودبیگانگی و ذلت

اسلام عزت را امر مطلوب و ضروری برای فرد و جامعه مسلمانان و مؤمنان می داند و ارتباطها و مناسبت هایی که زمینه ها و فرهنگ خودبیگانگی و ذلت و تحقیر را فراهم و نهادینه می کند، به صراحت نفی می کند و درباره آن هشدار می دهد. تاریخ استعمار در سه قرن اخیر به وضوح نشان می دهد که عمل نکردن به آموزه های اسلامی و تشبث به بیگانگان از سوی جهان مسلمانان به سلطه همه جانبه استعمارگران غربی بر شتون جوامع اسلامی انجامید. اما این روند با وقوع انقلاب اسلامی و صدور فرهنگ عزت، مقاومت و خودباوری وارونه شده است. امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: خدا اختیار همه کارها را به مؤمن وا گذاشته است، ولی ذلت پذیری را به وی وا گذاشته است. آیا نشنیده ای که خدای متعال می فرماید: همه عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است؟ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ص ۱۷۹). انقلاب اسلامی ایران با نفی خودباختگی فرهنگی ملت های مسلمان در قبال قدرت های شرق و غرب، بر ضرورت استقلال فکری و اندیشه ای تأکید کرد و توانست روحیه خودباوری، خوداتکایی و اعتماد به نفس را در مسلمانان تقویت کند. انقلاب اسلامی با بازگرداندن ملت ها به خویشتن خویش و اولویت بخشیدن به قدرت نرم افزاری اندیشه ورزی در بازسازی تمدنی، توانست نقش تمدن ها را به عنوان بازیگران نوین در نظام بین الملل ارتقا بخشد (دهشیری، ۱۳۹۰: ص ۲۰۰).

مفاهیم و رویکردهای دیگری چون امت اسلامی، نظام طاغوت، اسلام ناب محمدی، اسلام امریکایی، عدالت و معنویت و شیطان بزرگ که هر کدام به تفصیل قابلیت طرح و بحث دارد.

آرمان‌گرایی واقع‌گرایانه

انسان و جوامع انسانی همواره در سیورورت و شدن هستند و این شدن اگر براساس مبانی و اصول اسلامی منطبق باشد تعالی است؛ بنابراین، آرمان‌های اسلامی متعالی و تعالی‌بخش است. اما این تعالی در خلأ شکل و قوام نمی‌گیرد بلکه در متن واقعیت ظهور می‌کند. براساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی شکل‌دهنده واقعیت‌ها در جامعه است. زیرا یک مجموعه دارای آرمان و اهداف عالی می‌تواند با استقامت و پایداری واقعیت‌ها را منطبق با آرمان خویش شکل دهد. راهبرد آرمان‌گرایی واقع‌گرا، اعتقاد به اهداف متعالی اسلامی و جهاد برای شکل‌گیری زمینه‌های آن و درنهایت تحقق عملی و استقرار نظم و ساختار جامعه جهانی براساس مبانی اسلامی درعین تدبیر و عقلانیت و ساخت ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی دنیا به لحاظ مادی و به فعلیت‌رساندن تمام ظرفیت‌های انسانی برای کسب اقتدار فرهنگی، علمی، سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی در جهان اسلام است. براساس آموزه‌های اسلامی و رسالت انقلاب اسلامی، نظم موجود در نظام بین‌الملل فاقد اعتبار است و آینده جامعه بشری را به مخاطره انداخته است. این نفی خود شأنی از شئون آرمان‌خواهانه است. اما روابط بین‌الملل اسلام دارای طرح تدوین‌یافته است که نظم مطلوب آینده را بشارت می‌دهد؛ ترکیبی وحدت‌یافته از نگاه آگاهانه و باورمندانه به آینده همراه با اصول و ارزش‌های اسلامی که در قالب مفاهیم بدیع و پرکشش متبلور شده است و توأم با ملاحظات و مصالح، شعاع عقلانیت اسلامی و درک عمیق از حقیقت و واقعیت را نمایان می‌کند. این کنشگری مبتنی بر دانش و بینش عمیق اسلامی است که نمونه بارز آن ملت بیدار و بصیر ایران اسلامی است. در پرتو انقلاب اسلامی راهبرد آرمان‌خواهی واقع‌بینانه را به تجربه زیسته‌اند. تجربه غمبار بازتاب تأثیر بسیار منفی مکاتب مادی و الحادی روابط بین‌الملل و ایدئولوژی‌های الحادی در ایجاد و تداوم مخاصمات و جنگ‌های جهانی اول و دوم و به تبع آن به‌کارگیری تکنولوژی و جنگ‌افزارهای نظامی مبدأ منجر به ویرانگری گسترده در سطح عظیمی از جغرافیای طبیعی و انسانی شد. اما طراحان و تدوین‌گران ساختار نظام بین‌الملل افکار عمومی را به دوگانه جنگ و صلح منحصر کردند. صلح را برای جنگ و جنگ را برای صلح اراده کردند. این وضعیت به‌وضوح بازپه‌بودن ملت‌ها و افکار عمومی را نمایان کرد. اما روابط بین‌الملل اسلامی ملت‌ها را بُعد مهم تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر می‌داند و حق تعیین سرنوشت را برای ملت‌ها قائل می‌شود. چنان‌که در سیاست و حکومت اسلامی به مردم‌سالاری دینی معتقد و ملتزم است. طیفی از آرمان‌ها، اهداف، اثربخشی و مسئله‌ها و چالش‌های واقعی که انقلاب اسلامی با آن مواجه بوده است و در واقع،

رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌گرا را در روابط بین‌الملل اسلامی بروز می‌دهد به شرح زیر است:

تعامل‌گرایی با جهان غیراستکبار، تقابل و مبارزه با استکبار جهانی، اصل دعوت، تبادل اقتصادی، فرهنگی و غیره، اصل تعهد و پایبندی به پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی، کمک و تعاون با ملت‌های مسلمان و جهان، ترویج شعائر اسلامی، رویکردهای وحدت‌آفرین در جهان اسلام، دعوت و جهاد برای تحقق صلح حقیقی، مبارزه با تروریسم، دفاع از ساحت جهان اسلام، دفاع از عقاید و احکام و ارزش‌های اسلامی، ارائه الگوها و کلان‌الگوی پیشرفت، ارائه نقد‌های محتوایی به ساختار و سیاست و راهبردهای غرب، تولید ادبیات انقلابی، تولید مفاهیم بدیع، عرضه فرهنگ ایشار، مقاومت و شهادت، ارائه و ترویج فکر و فرهنگ استقلال‌لی، ارائه الگوی اسلامی برای مبارزه با فقر و ظلم و استبداد، استکبارستیزی، ارائه الگوی مردمی بسیج برای سازندگی و دفاع و تحول، نام‌گذاری ایام در مقیاس جهان اسلام (روز قدس)، ترویج فرهنگ برانگ در موسم حج ابراهیمی، عدالت‌طلبی در سطوح داخلی و در مقیاس بین‌المللی، به چالش کشیدن انحصارگرایی در روابط بین‌الملل، اشاعه الگوی مردم‌سالاری دینی، جاذبه شعارها و پیام‌های انقلاب اسلامی، معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی، نهضت نرم‌افزاری تولید علم، جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد سازندگی، ترویج قیام به قسط و عدالت اجتماعی، ترویج امر به معروف و نهی از منکر در مقیاس جهانی، احیای جایگاه زنان مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی، خودباوری و اتکا به ظرفیت ملت‌ها، احیای کرامت انسان‌ها، قانون‌گرایی، انسجام و وحدت و برادری اسلامی، رشد و آگاهی افکار عمومی، نفی و بی‌اعتباری مبارزات براساس ایدئولوژی‌های الحادی، باور به حاکمیت دین در هدایت جامعه، اتخاذ رویکرد همدلانه و روابط برادرانه با کشورهای همسایه و مسلمان، مشارکت در فرایند سازندگی ممالک محروم، مقابله با اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، ایستادگی در برابر نظام سلطه، دفاع از منشور حقوق بشر اسلامی، مبارزه برای اصلاح و تحول در ساختار نظام بین‌الملل و صدها مورد از سطوح آرمان‌خواهانه و چالش‌های واقعیت جهان امروز که روابط بین‌الملل اسلامی ظرفیت طرح صحیح و حل و فصل آن‌ها را دارد.

رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌گرا و روابط بین‌الملل اسلامی در مواضع امام خمینی (رحمة الله علیه)

بیانات و سیرة علمی و عملی امام خمینی (رحمة الله علیه) بازتاب مبانی اندیشه اسلامی در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی است. ایشان اسلام را غنی و جامع و بی‌نیاز از هر فکر و نحله در برنامه‌ریزی و ساختن جامعه می‌دانند و عملاً در راهبری نهضت اسلامی، در تصمیم‌گیری‌های

گوناگون عمیقاً به ارزش‌ها و اصول اسلامی پایبند است، چنان‌که استاد شهید حضرت آیت‌الله سید محمدباقر صدر (رضوان الله تعالی علیه) در جمله مشهوری درباره امام خمینی فرمود: «ذُو بُوَا فِي الْاِمَامِ الْخُمَيْنِيِّ كَمَا ذَابَ فِي الْاِسْلَامِ»؛ یعنی «در امام خمینی ذوب شوید، آن‌گونه که او در اسلام ذوب شده است». رویکرد بین‌المللی امام خمینی (رحمة الله عليه) را می‌توان در قالب الگوی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه ترسیم کرد. امام خمینی براساس مبانی فقهی، کلامی و اخلاقی سیاست خارجی اسلامی، ماهیت نظام بین‌الملل موجود و مطلوب، توانایی‌های داخلی و خارجی و نیازهای عینی داخلی، اسلامی و جهانی به تعیین راهبردها و راهکارهای سیاست خارجی خود می‌پردازد (پروانه، ۱۳۹۰: صص ۲۱۸ و ۲۱۹). عنوان‌های برگزیده برای تبیین و تشریح اصول روابط اسلامی از دیدگاه امام خمینی به شرح زیر است:

- روابط برادرانه براساس مبانی اسلام: روابط بین‌ملت‌ها باید براساس مسائل معنوی باشد و در این رابطه بُعد مسافت تأثیری ندارد... روابط ما با کشورها براساس مبانی اسلام خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۷: ص ۱۶۴). ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلام‌اند و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملت‌های اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می‌دانند و طالب صلح‌جویی و زندگانی مسالمت‌آمیز با تمام دولت‌ها و ملت‌ها هستند و تا دولتی به حریم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد، آن را برادر خود می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۶۰، ج ۱۶: ص ۴۸).

- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری: آقایان توجه کنند که روابط مانند زمان سابق نباشد که در زمان سابق روابط یک‌طرفه بود؛ آقای و نوکری، چه در زمان قاجار و چه در زمان رضاخان و تا آخر. شما دیدید که از اول این‌طور بود که وقتی سفیری از انگلستان یا امریکا می‌آمد، کسی جرئت نمی‌کرد حتی کلمه‌ای برخلاف مصالح آن‌ها بگوید... شما از اول باید به آن‌ها این معنا را بفهمانید که ما نمی‌خواهیم روابطمان مثل روابط زمان شاه باشد، بلکه ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم بود و نه زیر بار ظلم می‌رفت و ما هم می‌خواهیم این‌طور باشیم که نه ظلم کنیم و نه زیر بار ظلم برویم (امام خمینی، ۱۳۶۳، ج ۱۹: صص ۷۴-۷۳). ما اجازه نخواهیم داد که دولت‌های ابرقدرت در مملکت ما دخالت کنند، در ارتش ما دخالت کنند، در فرهنگ ما دخالت کنند، در اقتصاد ما دخالت کنند (امام خمینی، ۱۳۵۷، ج ۵: ص ۱۴۱). ما برای حیات زیر سلطه غیر ارزش قائل

نیستیم (امام خمینی، ۱۳۵۷، ج ۵: ص ۱۱۴). روابط ما با تمام خارجی‌ها براساس اصل احترام متقابل خواهد بود. در این رابطه نه به ظلمی تسلیم می‌شویم و نه به کسی ظلم خواهیم کرد (امام خمینی، ۱۳۵۷، ج ۲: ص ۲۵۹).

حسن همجواری، صلح و حفظ استقلال و آزادی: جمهوری اسلامی مایل است با همه همجواران و دیگران با صلح و صفا زندگی کند و از دولت‌های اسلامی، اگر مورد تهاجم واقع شوند، پشتیبانی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۷: ص ۲۲۸). ما صلح می‌خواهیم، ما با همه مردم دنیا می‌خواهیم در صلح باشیم. ما می‌خواهیم با همه دنیا مسالمت داشته باشیم. ما می‌خواهیم در بین مردم دنیا زندگی کنیم (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۸: ص ۲۲۱) ... ما نمی‌خواهیم در کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشد... که در یک‌جا بنشینند و مرزهایشان را ببندند، این غیر معقول است... ما باید با کشورهای که با ما هستند و ما را اذیت نمی‌کنند، رابطه داشته باشیم... البته ما با آن‌ها که بخواهند به ما تعدی بکنند، نمی‌توانیم بسازیم... نباید تحت سلطه خارجی باشیم، نباید آن‌ها در امور ما دخالت بکنند و نباید به ما خط بدهند (امام خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ص ۲۴۲). اصل غیر قابل تغییر این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد (امام خمینی، ۱۳۵۷، ج ۳: ص ۹۲).

عدم سازش و تسلیم، نفی وابستگی، مقاومت و ایستادگی: ملت عزیز ایران، شما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته‌اید، هیچ‌گاه با هیچ قدرتی سازش نکنید... سازش با شرق و غرب خودباختگی است و خیانت به اسلام و مسلمانان است (امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۱۱: ص ۲۶۶). ما با هیچ‌کدام از ابرقدرت‌ها سر سازش نداریم، نه تحت سلطه آمریکا می‌رویم و نه زیر بار شوروی. ما مسلمانیم و می‌خواهیم زندگی کنیم... ما پیشرفت و تمدنی را که در آن دستمان پیش اجانب دراز باشد نمی‌خواهیم (امام خمینی، ۱۳۶۰، ج ۱۵: ص ۲۰۹). تا قطع تمام وابستگی‌ها به تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب، مبارزات آشتی‌ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبران ادامه دارد (امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۱۱: ص ۲۶۶).

دفاع از مسلمانان و مستضعفان: دفاع از نوامیس، بلاد و همه حیثیات مسلمانان امری لازم است و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمانان مهیا کنیم (امام خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: صص ۱۸۴-۱۸۳) ... جمهوری اسلامی ایران هم در کنار

شما و در کنار همه مسلمانان، بلکه در کنار همه مستضعفان جهان خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ص ۱۸۴). ما به پیروی از اسلام بزرگ، از جمیع مستضعفان حمایت می‌کنیم (امام خمینی، ۱۳۵۸، ج ۱۰: ص ۲۲۸). ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۲۰: ص ۲۳۸).

- انتشار و گسترش شعاع اسلام در جهان: ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام کرده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۲۰: صص ۲۳۸-۲۳۲).

رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌گرا در اندیشه و مواضع رهبر معظم انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی مبتنی بر اصول روابط بین‌الملل اسلامی و اجتهاد پویا در فقه سیاسی اسلام در لحاظ کردن عنصر زمان و مکان، چهارچوب نوآورانه عزت، حکمت و مصلحت را برای سیاست خارجه جمهوری اسلامی تدوین کردند؛ عزت، حکمت و مصلحت، مثلثی الزامی برای چهارچوب ارتباط‌های بین‌المللی ماست (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸) که ناظر بر حفظ استقلال و شأن ملت ایران، عقلانیت، تدبیر، راهبرد و مشی حکیمانه، شناخت عمیق از موقعیت‌ها و دشمن‌شناسی و غیره است. ما با برخورد غیر خردمندانه در همه عرصه‌ها مخالفیم؛ ما معتقدیم در همه عرصه‌ها، در همه برنامه‌ریزی‌ها، در همه جهت‌گیری‌های جمعی و فردی باید با درایت و حکمت عمل کرد. اگر صحنه را شناسیم، استکبار را شناسیم، اگر دوست را شناسیم، اگر دشمن را شناسیم، اگر امروز نظام سلطه را شناسیم، استکبار را شناسیم، چطور می‌توانیم با حکمت و درایت حرکت کنیم؟ (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹). ایشان در موقعیت‌های گوناگون به تبیین آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در مواجهه با چالش‌های جهان پیرامون پرداخته‌اند و مفاهیم نوین را به افکار عمومی ارائه کرده‌اند و به تبیین آن پرداخته‌اند:

- تعاون و تعامل، مبارزه و ایستادگی: ما در عرصه بین‌الملل دو نوع کار داریم؛ یک کار اصلی که عبارت است از همکاری‌های بین‌المللی و یک کار اضطراری که همان مبارزه است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱/۴). علی‌رغم اینکه همواره دشمنان خواسته‌اند ملت ایران را منزوی کنند، ملت ایران منزوی نشده‌اند، با دنیا همکاری کرده‌اند و در عین حال با نظام سلطه

و استکبار مقابله جدی کرده‌اند و توانسته‌اند در برابر ترنفدها ایستادگی کنند (خامنه‌ای)،
۱۳۹۶/۵/۱۲).

آرمان‌گرایی واقع‌گرا: آنچه تصور می‌کنیم که وظیفه ماست این است که این سه مؤلفه بزرگ را برای همه تصمیم‌گیری‌ها و همه اقدام‌ها در نظر داشته باشیم: مؤلفه اول، آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ مؤلفه دوم، راه‌هایی که ما را به این اهداف می‌رساند؛ مؤلفه سوم، واقعیات، واقعیات را هم باید دید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). آنچه لازم داریم، آرمان‌گرایی با نگاه به واقعیات‌ها است. واقعیات‌ها را هم باید درست فهمید؛ آنچه از واقعیات‌ها موجب اقتدار است، آن‌ها را باید شناخت... آنچه مانع حرکت است را باید شناخت... (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). اگر چنانچه واقعیات‌ها را نبینیم، راه را درست نخواهیم رفت. اما وجود واقعیات‌ها هم نباید ما را از راه‌هایمان منحرف کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). آرمان‌گرایی عین عقلانیت است؛ زیرا اگر ملتی بدون آرمان شود، همانند وضعیت امروز جوامع غربی، از درون تهی و پوچ خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۲۸). آرمان‌ها با نگاه به واقعیات‌هاست که قابل تحقق خواهند بود، اما واقعیات را ببینیم نه آنچه با شگردهای دشمنانه به‌عنوان واقعیات به ما القا می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶). واقع‌بینی، مشاهده واقعیات‌های جامعه و جهان با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچ‌گونه تنافی و تعارضی ندارد. اگر ما توانستیم آرمان‌گرایی را با واقع‌بینی و واقع‌گرایی همراه کنیم، ترجمه عملیاتی‌اش می‌شود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم... بسیاری از آرمان‌های جامعه ما و مطالبه آن‌ها جزء واقعیات‌های جامعه است. مردم مایل‌اند عزت ملی داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند... این خواسته‌ها و واقعیات‌های جامعه است؛ این واقعیات‌ها دقیقاً در جهت آرمان‌خواهی است و این‌ها مسائل تحلیلی و ذهنی نیست، این‌ها موهومات نیست، این‌ها ذهنیات نیست... یک جامعه زنده و مؤمن دنبال این چیزهاست... می‌خواهد آبروی بین‌المللی داشته باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۳). آرمان‌گرایی بدون ملاحظه واقعیات‌ها به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی حرکت می‌کنید، واقعیات‌های اطراف خودتان را باید بسنجید و برطبق آن واقعیات‌ها برنامه‌ریزی کنید (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۵/۰۶).

در فرازهای بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، درهم‌تنیدگی آرمان‌ها و واقعیات‌ها تبیین شده

است. ذهنیت‌هایی که جزئی‌نگر و تک‌بُعدی به عرصه جامعه و زندگی می‌نگرند و متأثر از تبلیغات جهان مادی و نگرش دنیاگرایانه هستند. امکان زیستن در رفاه مادی و توسعه را واقعیت محض تلقی می‌کنند و آرمان و آرمان‌گرایی را معارض و متضاد با این واقعیت و خلاف عقلانیت مادی فرض می‌کنند. در صورتی که اسلام و روابط بین‌الملل اسلامی آرمان عدالت، مبارزه با ستمگری و سلطه‌گری، استکبارستیزی، همزیستی مسالمت‌آمیز، فقرزدایی و غیره را آرمان‌گرایی واقع‌بینانه می‌داند و ملت‌ها به دنبال این آرمان‌ها هستند و نقطه عزیمت حرکت به سمت آرمان‌ها متن واقعیت است؛ یعنی شناخت ظرفیت‌ها و به‌کارگیری آن و شناخت موانع و برطرف کردن آن به‌گونه‌ای خلاقانه و حرکت مجاهدانه.

نتیجه‌گیری

نظریه آرمان‌گرایی واقع‌گرا با توجه به ابعاد فرانظری خویش، یعنی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی، می‌تواند تبیین شود و تکوین یابد. ابعاد فرانظری روابط بین‌الملل اسلامی مجموعه‌ای از آرمان‌ها را تدوین و ترسیم می‌کند؛ استکبارستیزی و اضمحلال استکبار، حرکت به سمت جامعه جهانی عادلانه، رفع فقر فرهنگی و اقتصادی از ساحت جامعه بشری، انتشار معنویت و اخلاق اسلامی (خیرخواهی، ایثار، گذشت و غیره)، عزت و استقلال امت اسلامی، پیشرفت همراه با عدالت، دانش‌محوری در خدمت بشر و غیره و تحقق این آرمان‌ها را با لحاظ واقعیت‌ها (وعده‌های الهی، ظرفیت‌های انسانی، منابع مادی، موانع و چالش‌های گوناگون، کارشکنی‌های قدرت‌های مادی و غیره) قابل حصول می‌داند. آرمان‌گرایی غربی و واقع‌گرایی غربی در روابط بین‌الملل به لحاظ جهان‌بینی با آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی اسلامی متفاوت است؛ بنابراین، در نظریه و عمل نیز کیفیت کنشگری و رویکرد آن‌ها متفاوت خواهد بود؛ گرچه ممکن است در بعضی رویه‌ها اشتراک و هم‌پوشانی داشته باشند. ابعاد فرانظری نسبی‌گرایانه، اثبات‌گرایی، عقلانیت ابزاری علم روابط بین‌الملل غرب با ابعاد و اصول هستی‌شناسانه اسلامی همچون اصل توحید، عدل، کرامت انسان و وحدت نظام هستی متغایر است. انکار مابعدالطبیعه و انتزاع سیاست و روابط بین‌الملل از اخلاق از دیگر مؤلفه‌های تغایر نسبت به روابط بین‌الملل براساس جهان‌بینی اسلامی است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. امام جمعه زاده، سید جواد؛ مرادی، سوسن. ۱۳۹۰. «بررسی مقایسه‌ای مفهوم صلح در دو وضعیت هژمونیک و پلورالیسم گفتمان‌های ارزشی»، اخلاق و روابط بین‌الملل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۵۷. صحیفه نور. جلد ۲. «مصاحبه با خانم الیزابت تارگود، خبرنگار روزنامه انگلیسی گاردین». ۱۳۵۷/۸/۱۰. تهران: انتشارات سروش.
۴. _____ . ۱۳۵۷. صحیفه نور. جلد ۳. «مصاحبه با مجله هفتگی نیورو و آمستردام». ۱۳۵۷/۸/۱۸. تهران: انتشارات سروش.
۵. _____ . ۱۳۵۷. صحیفه نور. جلد ۵. «بیانات امام خمینی خطاب به سفیر شوروی». ۱۳۵۷/۱۲/۷. تهران: انتشارات سروش.
۶. _____ . ۱۳۵۷. صحیفه نور. جلد ۵. «بیانات امام خمینی در دیدار جمعی از اعضای سپاه پاسداران». ۱۳۵۷/۱۲/۱۴. تهران: انتشارات سروش.
۷. _____ . ۱۳۵۸. صحیفه نور. جلد ۱۰. «پیام امام خمینی به جنبش‌های آزادی‌بخش جهان». ۱۳۵۸/۹/۴. تهران: انتشارات سروش.
۸. _____ . ۱۳۵۸. صحیفه نور. جلد ۱۱. «پیام امام خمینی (ره) به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی». ۱۳۵۸/۱۱/۲۲. تهران: انتشارات سروش.
۹. _____ . ۱۳۵۸. صحیفه نور. جلد ۷. «بیانات امام خمینی در جمع هیئت نیوزلندی». ۱۳۵۸/۳/۳۱. تهران: انتشارات سروش.
۱۰. _____ . ۱۳۶۰. صحیفه نور. جلد ۱۵. «بیانات امام خمینی در دیدار جمع کارکنان اداره مرکزی آستان قدس». ۱۳۶۰/۸/۶. تهران: انتشارات سروش.
۱۱. _____ . ۱۳۶۰. صحیفه نور. جلد ۱۶. «پیام امام خمینی (ره) به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی». ۱۳۶۰/۱۱/۲۲. تهران: انتشارات سروش.
۱۲. _____ . ۱۳۶۲. صحیفه نور. جلد ۱۷. «بیانات امام خمینی (ره) به مناسبت آغاز پنجمین سال رسمیت جمهوری اسلامی». ۱۳۶۲/۱/۲۲. تهران: انتشارات سروش.
۱۳. _____ . ۱۳۶۲. صحیفه نور. جلد ۱۸. «بیانات امام خمینی (ره) در جمع کلیه سفرا و کارداران». ۱۳۶۲/۱۱/۱۸. تهران: انتشارات سروش.

۱۴. _____ . ۱۳۶۳. صحیفه نور. جلد ۱۹. «سخنان امام خمینی (ره) در دیدار با وزیر امور خارجه، سفرا و کارداران». ۱۳۶۳/۸/۶. تهران: انتشارات سروش.
۱۵. _____ . ۱۳۶۴. صحیفه نور. جلد ۱۹. «بیانات امام خمینی در جمع وزیران و معاونین وزارت خارجه». ۱۳۶۴/۸/۱۱. تهران: انتشارات سروش.
۱۶. _____ . ۱۳۶۶. صحیفه نور. جلد ۲۰. «بیانات امام خمینی در دیدار با اعضای شورای مرکزی حزب اله لبنان». ۱۳۶۶/۱۲/۹. تهران: انتشارات سروش.
۱۷. _____ . ۱۳۶۷. صحیفه نور. جلد ۲۰. «پیام امام خمینی (ره) به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه». ۱۳۶۷/۴/۲۹. تهران: انتشارات سروش.
۱۸. پروانه، محمود. ۱۳۹۰. الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱. مفاتیح الحیات. قم: انتشارات اسراء.
۲۰. _____ . ۱۳۹۷. روابط بین‌الملل در اسلام. قم: نشر اسراء.
۲۱. چیلکوت، رونالد. ۱۳۸۹. نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای. تهران: نشر رسا.
۲۲. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۷۰/۴/۱۸. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان وزارت خارجه». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت... سید علی خامنه‌ای KHAMENEI.IR.
۲۳. _____ . ۱۳۷۵/۱/۴. «بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت... سید علی خامنه‌ای KHAMENEI.IR.
۲۴. _____ . ۱۳۹۱/۵/۳. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت... سید علی خامنه‌ای KHAMENEI.IR.
۲۵. _____ . ۱۳۹۲/۵/۶. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت... سید علی خامنه‌ای KHAMENEI.IR.
۲۶. _____ . ۱۳۹۲/۶/۱۴. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت... سید علی خامنه‌ای KHAMENEI.IR.
۲۷. _____ . ۱۳۹۲/۸/۲۹. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج سراسر کشور». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت... سید علی خامنه‌ای KHAMENEI.IR.

۲۸. _____ . ۱۳۹۵/۶/۲۸. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت ا... سید علی خامنه ای. KHAMENEI.IR.
۲۹. _____ . ۱۳۹۶/۵/۱۲. «بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران». پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت ا... سید علی خامنه ای. KHAMENEI.IR.
۳۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۹. «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین الملل». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال پنجم. شماره ۲. بهار.
۳۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۶. «اصول و مبانی روابط بین الملل (۱)». تهران: سمت.
۳۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۹۸. «اصول و مبانی روابط بین الملل (۲)». تهران: سمت.
۳۳. دیلمی، حسن بن محمد. ۱۳۷۱. «ارشادالقلوب». جلد ۱، قم: الشریف الرضی.
۳۴. _____ . ۱۳۹۶. «اصول و مبانی روابط بین الملل (۲)». تهران: سمت.
۳۵. _____ . ۱۳۹۸. «اصول و مبانی روابط بین الملل (۱)». تهران: سمت.
۳۶. دهشیری، محمدرضا. ۱۳۹۰. بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۷. ذاکریان، مهدی. ۱۳۹۰. اخلاق و روابط بین الملل. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳۸. سلیمی، عبدالحکیم. ۱۳۸۶. نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۹. صالح، امانی؛ محروس، عبدالخیر عطا. ۱۳۹۰. روابط بین الملل؛ رویکرد دینی و تمدنی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۰. طوسی، محمدبن الحسن. ۱۴۰۷ق. تهذیب الاحکام. جلد ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم
۴۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵. جهان بینی توحیدی؛ مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۲). تهران: انتشارات صدرا.
۴۲. متقی، ابراهیم؛ پوستین چی، زهره. ۱۳۹۰. الگو و روند در سیاست خارجی ایران. قم: انتشارات دانشگاه مفید.

۴۳. نجات‌پور، مجید؛ جعفری، علی؛ ستوده، علی اصغر؛ زرین کاویانی، بهروز. ۱۳۹۲. «رویکرد اسلام به جایگاه جنگ و صلح در نظام بین‌الملل در مقایسه با رئالیسم و لیبرالیسم». فصلنامه آفاق امنیت. سال پنجم. شماره ۱۸.